



گزارشی از نقش ارتش در مهار و مدیریت ناآرامی‌های ماه‌های اول پیروزی انقلاب

اهداف دشمنان در تضعیف ارتش پس از انقلاب اسلامی ایران

ارتش جمهوری اسلامی ایران از ارکان اقتدار نظام اسلامی و ملت عظیم الشان ایران است که با برخورداری از ساختاری با هویت متقن و منحصر به فرد مکتبی، نظامی، انضباطی و نهادی آکنده از دانش و بصیرت سیاسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بازدارندگی و اقتدار نظامی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شناخته شده است.

ارتش در طول دوران پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از جنگ تحمیلی و بعد از آن در دوران دفاع مقدس و حوادث مختلف اعم از حوادث غیرمترقبه و بحران‌های طبیعی، با تمام توان برای ایفای نقش و رسالت خود پای در میدان نهاده و در اجرای انواع مأموریت و فراتر از آن در جهت مردم‌یاری نهایت تلاش خود را به کار بسته است. ارتش در دست قدرتمند نظام و ملت شریف ایران در بزرگه‌های حساس بوده و با به کارگیری همه ظرفیت‌ها و توان خود عاشقانه از روی خلوص، بدون هیچ چشمداشتی اهتمام ورزیده و به معنای واقعی کلمه وظیفه سربازی ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را ادا کرده است. برای شناخت بهتر عملکرد ارتش در برهه‌های حساس شکل‌گیری، تثبیت و استحکام نظام، می‌توان تلاش‌های این سازمان دفاعی محبوب را که در قامت سازمانی جدید به نام ارتش جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده، مورد بررسی قرار داد.

■ مهرای ارتش با انقلاب اسلامی

خطرات ژنرال هابیز، نماینده نظامی کارتر و ویلیام سولیبون نشان می‌دهد در شرایطی که دولت بختیار در صدد اقدامات خشونت‌نا بر علیه انقلاب اسلامی بود، ارتش هیچ‌گونه تمایلی به مقابله با مردم نداشت و در بدنه ارتش با جریان سرکوب و کشتار مردم مخالفت می‌شد و بلکه حتی در یادگان‌های ارتش هم تحکاتی گسترده علیه دشمنان ملت و انقلاب اسلامی جریان داشت. در دل یادگان‌های ارتش، پاک باختگانی چون شهید نامجو، شهید صیاد شیرازی، شهید اقارب‌پرست، شهید کلاهدوز... بدنه ارتش را هوشمندانه به انقلاب و همراهی با ملت تشویق می‌کردند و بسیاری از ارتشیان نیز با بزرگان انقلاب همراهی و همکاری داشتند. در شرایط قیام و انقلاب و در هنگامه‌ای که یگان‌های ارتش به جبر حکومت به خیابان می‌آمدند، بسیاری از ارتشیان در قامت انقلابی در صفوف تظاهرات حضور داشتند و بسیاری دیگر به دقت مراقب بودند که مبادا جنگ‌افزارهای ارتش علیه مردم به کار گرفته شود. در ایام انقلاب، تانک‌های ارتش وارد خیابان‌ها شدند، ولی حتی یک گلوله به سمت مردم شلیک نشد، هرگز بالگرد و جنگنده‌ای به سوی مردم آتش نگشود و آنچه به روی مردم گشوده شد، آغوش مهر ارتشیان بود و اینگونه بود که لوله تفنگ‌ها به جای گلوله با گل آراسته شد؛ ارتش از همان آغاز برادر ملت بود، نه برابر ملت. مهم‌ترین حرکت انقلابی ارتش اما در حساس‌ترین صحنه بروز یافت و بیعت جاودانه کارکنان ارتش با بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در تاریخ ثبت شد. به این ترتیب با حضور شکوهمند و محوریّت کارکنان نیروی هوایی ارتش، رژیم ضربه‌ای کاری دریافت کرد.

اعلامیه بی‌طرفی ارتش در ظهر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که به امضای سران وقت ارتش رسیده بود، بیانگر این ادعا است که ارتش برای ملت و حافظ مرزهای ایران است و وابستگی به سران حکومت ندارد و کار را تمام کرد. حاکمیت رژیم استبدادی پیشین به پایان رسید و انقلاب اسلامی ملت ایران به پیروزی نهایی دست یافت.

■ بی‌طرفی ارتش و پیروزی انقلاب اسلامی

جلسه شورای عالی ارتش در ساعت ۱۰:۳۰ صبح ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تشکیل شد و فرماندهان نظامی به این نتیجه رسیدند که ارتش باید اعلام بی‌طرفی کند. اعلامیه بی‌طرفی ارتش در ساعت ۱۳ و ساعت ۱۴ در دونویّت ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ از رادیو منتشر شد:

ارتش ایران وظیفه دفاع از استقلال و تمامیت کشور عزیز ایران را داشته و تاکنون در آشوب‌های داخلی سعی کرده است با پشتیبانی از دولت‌های قانونی این وظیفه را به نحو احسن انجام دهد. با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی

ارتش در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تشکیل و به اتفاق تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر بی‌طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد که به یادگان‌های خود مراجعت نمایند. ارتش ایران همیشه پشتیبان ملت شریف، نجیب و میهن‌پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته‌های ملت شریف ایران با تمام قدرت پشتیبانی می‌نماید. صدور اعلامیه بی‌طرفی ارتش و پشتیبانی بی‌دریغ آن از ملت و دستور مراجعت یگان‌ها از فرمانداری‌های نظامی و خیابان‌ها به یادگان‌ها، در واقع به مفهوم اعلام پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پایان یافتن حکومت شاهنشاهی در کشور بود و روز بیست و دوم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به‌عنوان حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین روز در تاریخ سیاسی معاصر ایران زمین ثبت شد. در بیست و دوم بهمن انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری امام (ره) به ثمر نشست و گسستی سیاسی در کشور به وقوع پیوست که به حکومت مطلقه و استبدادی شاهنشاهی در ایران خاتمه داد. پس از اعلام بی‌طرفی ارتش و پیروزی انقلاب، از سوی مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت انقلابی، سرلشکر محمدولی قرنی از روز ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به سمت رئیس ستاد مشترک ارتش تعیین شد.

امیر سرلشکر حسین حسنی سعدی در مورد شرایط عمومی ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیان می‌دارد: «در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، آن روز تقریباً ارتش کاملاً در همان روزها بخش‌های عمده یگان‌های ارتش به طور کامل از هم پاشید و ساختار سازمانی آن فرو ریخت، به نحوی که از فردای آن روز تعدادی از فرماندهان رده‌بالا را به خاطر عملکردی که در انقلاب داشتند دستگیر کردند. تعداد دیگری از فرماندهان هم که نگران عملکرد خود بودند، فرار کردند و برخی دیگر از فرماندهان هم جرأت نکردند از منزل بیرون بیایند و به طور کلی ساختار ارتش از هم پاشیده شد. نبود سازوکار مشخص رسیدگی به شکایات‌ها در بدنه انقلاب و همچنین حاکم بودن شور و احساس انقلابی و نفوذ برخی عناصر ضد انقلاب در بدنه مردم برای تسویه حساب با ارتش موجب بلاتکلیفی بسیاری از ارتشیان شد و تعداد زیادی از کارکنان در چنین شرایطی بنا به دلایل گفته شده و نگرانی از وضعیت موجود در یادگان‌ها حاضر نشدند، انضباط که شالوده اصلی سازمان‌های نظامی است از بین رفت، حبس‌ها و زندانی کردن بسیاری از کارکنان ارتش به دلایل ارتشی بودن و سایر مسائل موجب شد اکثر یادگان‌ها به تعطیلی کشیده شدند و حتی برخی از یادگان‌ها توسط افراد ضد انقلاب و جدایی طلبان غارت شد؛ یعنی اغلب یادگان‌ها بسته شد. درست است که انقلاب برای مردم بود، اما می‌توان ادعا کرد که آزادی به‌عنوان ارزشمندترین ارغمان این انقلاب، برای ارتشیان شیرین‌تر بود.

■ شرایط حاکم بر ارتش در اباعد گوناگون

پس از اعلام بی‌طرفی ارتش و پیروزی انقلاب اسلامی و برگشت یگان‌ها به یادگان‌ها، شرایط حاکم بر ارتش بسیار بحرانی شد و فرماندهان و کارکنان پایور یگان‌ها دسته‌دسته دستگیر و بازداشت می‌شدند. با اینکه اعلام «همبستگی با انقلاب اسلامی و مردم» که بر پارچه‌ای سفید نوشته شده بود بر سر در اغلب یادگان‌ها و پایگاه‌ها به چشم می‌خورد، اغلب یادگان‌ها و پایگاه‌ها مورد هجوم قرار گرفتند و به آتش کشیده شدند. در تهران، لشکر گارد که یگان‌هایش در یادگان‌های قصر، حشمیه، افسریه و عشرت‌آباد مستقر بودند، گارد جاویدان در لوزان، دانشکده افسری، دبیرستان نظام، گروه ۳۳ نوپخانه و پشتیبانی منطقه ۳ در یادگان جی، هنگ نوچوانان در حکیمیه تهرانپارس، مرکز آموزش کادر درجه‌داری در خیابان سلطنت‌آباد (پاسداران)، تیپ ۲۳ نود و آمادگاه ۵۰۱ بهداری در باغشاه، فرماندهی ترابری و آمادگاه شماره ۱ اردنانش در سه‌راه شهریار، انبار تدارکات مستشاران آمریکایی در یادگان عشرت‌آباد و محل استقرار آنان در سلطنت‌آباد مورد هجوم قرار گرفتند و سلاح، مهمات، تجهیزات و خودروهایشان غارت شدند. مردم به آنچه که نمی‌توانستند بپردازند آسیب زدند. همچنین ستاد نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و ستاد ارتش نیز اموال، اسناد و مدارک و تجهیزات شان غارت شد. از عصر بیست و دوم بهمن‌ماه هرج‌ومرج برخی از یگان‌های ارتش را در برگرفت، اکثر کارکنان یگان‌ها در برخی از شهرها،

یادگان‌ها را ترک کردند، به نحوی که تا چند هفته امور نگهدیانی و حفاظت از اسلحه‌خانه‌ها، انبارها، منابع آمادی، اماکن و تأسیسات توسط تعدادی از افسران و درجه‌داران داوطلب یگان‌ها انجام می‌شد. سلسله‌مراتب فرماندهی به‌دلیل پاکسازی از هم گسیخته شده بود.

در برخی از یگان‌ها بویژه در تهران، اکثر کارکنان به مدت چند روز یگان خود را ترک کردند. اکثر امرای ارتش و تعدادی از افسران ارشد بازداشت، محاکمه و اعدام شدند و تعدادی از امرا، افسران ارشد، افسران جزء و درجه‌دارانی که در رده‌های مختلف شغلی سمت فرماندهی داشتند، از کار برکنار شدند و تسویه کارکنان یگان‌ها آغاز شد.

در نخستین ساعات صبح ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ اولین دادگاه انقلاب برای محاکمه ۱۹ نفر از سران ارتش و شش نفر از دولتمردان نظام گذشته آغاز شد و همه آنان پس از یک محاکمه، محکوم به اعدام شدند. محرم اعدام در باره چهار تیمسار ارتش: ارتشبد نعمت‌الله نصیری، سپهبد مهدی رجیمی، سرلشکر منوچهر خسروداد و سرلشکر رضا ناجی بلافاصله پس از صدور رأی در ساعت ۴۰ و ۱۱ دقیقه شب در پشت بام مدرسه رفاه اجرا شد. احکام اعدام دادگاه‌های انقلاب تنها برای امرا و افسران صادر نشد بلکه درجه‌داران و سربازان ارتش را نیز در برمی‌گرفت.

در این ایام ارتش با بحران‌های شدید و همه‌جانبه درون کشور مواجه شد و در این میان یگان‌های ارتش به‌صورت غیرمنصفانه و هدفمند، مورد هدف تبلیغات تضعیف‌کننده و اهانت‌آمیز عوامل ضدانقلاب و افراد ناآگاه واقع شدند. خشم و کینه و مخالفت با بسیاری از آنچه در نظام گذشته معمول بود فضای عمومی کشور را زیر سلطه خشونت آمیز خود قرار داده بود. ابراز دشمنی نسبت به ارتش و افراد نیروهای مسلح معرفی انقلابی بودن شد. سازمان چریک‌های فدایی خلق مدعی بود که «همه فرماندهان سابق ارتش باید در دادگاه خلق محاکمه شوند».

■ هجوم به یادگان‌های مهیاد و سند در اولین اقدام ضدانقلاب

همزمان با اقدام‌های خائنانه حزب دموکرات، شیخ عزالدین حسینی امام جمعه وقت مهیاد نیز شورایی به نام شورای شهر مهیاد تشکیل داد. ضدانقلاب از تاریخ بیست و سوم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ یادگان مهیاد را محاصره کرد که تا سی‌ام بهمن ادامه داشت. تیپ مهیاد با تهدیدهای پیاپی از سوی احزاب ضدانقلاب جهت تسلیم و تحویل یادگان به آنان مواجه شده بود و صدای پرازدازی‌های پراکنده گروه‌های ضدانقلاب و عوامل نفوذی آنها از داخل و اطراف یادگان به گوش می‌رسید. سرتیپ احسان‌الله پزشک‌پور فرمانده تیپ برای جلوگیری از خونریزی طی تماس تلفنی با مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت خواستار اعلام خط مشی دولت در مورد تهدیدها و تیراندازی‌های ضدانقلاب شد. آقای نخست‌وزیر در پاسخ به فرمانده تیپ اظهار داشت که تا آخرین نفس و آخرین فشنگ نیروهای نظامی در مقابل اخلاگران و مجاوزان مقاومت کنند و از ورود هر فرد مسلح و غیرمسلح به داخل یادگان جلوگیری به عمل آورند.

با توجه به حوادث منطقه و آشوب‌های ضدانقلاب و نیز اتهام‌های آنها به نیروهای ارتش، در مورخه ۱۲/۱۲/۱۳۵۷ پیامی به شرح زیر از سوی امام خمینی (ره) خطاب به اهالی کردستان اعلام گردید:

بسم‌تعالی «شنیده شده که عده‌ای وضع کردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و برخلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش که اکنون به اسلام برگشته و از آن تبعیت می‌کند حمله می‌برند و آنها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها برخلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری را نظر ما، مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم. همه ملت واحد هستیم، ارتش و ژاندارمری و همه نیز باید بدانند که از این پس آنها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمان‌اند و اگر کسی به آنها حمله کند از مردم مسلمان نیست و از اعمال اجانب است. نیروهای مسلح باید با قدرت از مصالح و منافع ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌ای را

■ دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۰

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۴۴



به خود و نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.»

روح‌الله الموسوی الخمینی ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ فرمان امام تأثیر به سزایی در تقویت روحیه کارکنان یادگان مهیاد و سندنج داشت و سرلشکر قرنی رئیس وقت ستاد ارتش ابلاغ کرد، به فرمان امام تا آخرین قطره خون دفاع کنید، همه نوع کمک از تهران ارسال می‌شود و این امر نیز روحیه کارکنان ارتش را تقویت کرد.

ارتش غیور و خادم ملت، اما بی‌ادعا و مخلصانه راهی جبهه‌ها در نقاط مختلف مرزی بخصوص کردستان گردید، کردستان و آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان و هر جای دیگر که توطئه‌ای علیه انسجام و منافع ملی و با هدف تجزیه‌طلبی در حال شکل‌گیری بود، نیروهای ارتشی داوطلبانه پا به میدان گذاشته و مقتدرانه از کبان و تمامیت سرزمین و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دفاع و پا به پای صیادها تا اوج خطر پیش می‌رفتند، مهرورزانه با مردم همراهی کرده و سختگیرانه در برابر بدخواهان صف آرای می‌کردند؛ طنین صدای رسا و برق سلاحشان لریزه به اندام فتنه‌گران می‌انداخت.

■ ارتش؛ تکیه‌گاه کشور در روزهای سخت

دشمن در هنگامه فتنه به این نتیجه رسیده بود که با حضور مقتدرانه ارتش، فتنه‌ها به خاموشی خواهد گرایید. جنگی طولانی و پرهزینه را بر ملت شریف ایران تحمیل کرد. به این ترتیب ارتش به‌عنوان تنها نهاد مأمور حفظ تمامیت ارضی کشور و نظام ج.ا.ا. امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی خویش را در میدان رزم آراست، ارتش در این رزمگاه دشوار آنچه را در توان داشت به‌کار گرفت و با مشارکت حداکثری با همه دلسوزان نظام، توانست دشمن یعنی را که از حمایت توأمان غرب و شرق بهره می‌برد، شکست دهد. حتی در مقاطعی در خلیج فارس با نیروی دریایی ارتش آمریکا هم جنگید و حماسه‌های درخشانی ثبت کرد.

به این ترتیب، این سازمان حرفه‌ای و بی‌ادعا، رسالت تاریخی و اصلی خود را آنچنان ایفا نمود که ذره‌ای از خاک ایران در دست دشمن باقی نماند. پس از جنگ نیز حضور درخشانی در عرصه سازندگی داشت و نیازمندی‌های خود را با اتکا به توان داخلی ساخت و چهره یک ارتش مستقل مقتدر را بخوبی به جهانیان عرضه کرد. در عرصه‌های دشواری مانند بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه، ارتش به‌عنوان یک نیروی فداکار نخستین گام‌ها را برای کمک به ملت به میدان آورد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب ثابت کرد که در شعار ارتش فدای ملت، ثابت قدم است.

ارتش با این نگاه، نگاه فراتر از وظیفه‌گرایی، بر خود تکلیف نمود که باید تکیه‌گاه مردم باشد. سیاست را بشناسد تا به سلامت از تنگنای‌های سیاسی عبور کند و در کنار آن، نیروی قابل اطمینان و وثوق همه اقشار ملت باشد. همواره تالش کرده خود را از جریان‌های سیاسی و حضور در عرصه‌های قدرت سیاسی به دور نگه دارد، اما این به معنای بی‌اطلاعی و فقدان دانش سیاسی و مشارکت سیاسی در وقایع کشور نیست. ارتشیان، خود را مکلف می‌دانند که فراتر از دانش سیاسی، بصیرت سیاسی کسب کنند. مشارکت حداکثری در انتخابات، کمک به اجرای انتخابات سالم، شناخت دقیق و انتخاب اصلاح‌همواره در محمل سیاسی و اجتماعی ارتشیان وجود داشته است. اما ارتش، مقام و تکلیف خود را مقام و تکلیف سربازی و خدمت صادقانه و فراتر از حضور محصور در فضای سیاست می‌داند.

ارتشی با این رویکرد، متعلق به همه ملت، همه اقشار و جناح‌های سیاسی و در خدمت نظام است و به دلیل همین سلامت سیاسی مورد وثوق و تکیه‌گاه همه اقشار ملت است. در هنگامه‌های سخت، جان بر کف می‌گیرد و به میدان می‌آید، جانپازی می‌کند و البته پشتوانه مردمی و دعای خیر همه ملت را پشت و پناه خود می‌بیند. ارتشی با این اندیشه و منش در انتها در جرح قدرت قرار دارد و به آن افتخار می‌کند که ارتش همه ملت است و تعلقات جناحی و سیاسی ندارد. اما قاطعانه در کنار ارکان رسمی سیاست کشور حضور دارد و همواره پشتیبان آرای ملت خواهد بود. امروز بلوغ سیاسی ارتش پشتیبان کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران و مورد عنایت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است و فارغ از مطالبه‌گری‌های سیاسی، در مسیر خدمت، به رضایت خالق و خلق می‌اندیشد.

چشمان بیدار ارتش، همواره دوردست‌ها را می‌کاود؛ نگاه این سازمان مقتدر و حرفه‌ای و باصلابت به عمق لشکریان دشمن است و این که چو توطئه و ترفندی در کمان دارند و خود را برای مقابله با هر دشمنی آماده می‌کند. دل به ملت و سر به خدا سپرده، دندان به هم می‌فشارد و دست به اسلحه نگاه داشته تا هر نگاه شوم دشمن به مرزهای اقتدار ملت را با آتش اقتدارش بسوزاند. به این ترتیب باید بگوئیم سلامت سیاسی ارتش، ارزش افزوده نظام و انقلاب اسلامی است و مطامع دشمنان را تا کام می‌گذارد.

در شرایط کنونی که بالندگی و اقتدار انقلاب اسلامی در منطقه و جهان در اوج قرار دارد، راهبردهای دشمنان با ترکیبی متشکل از مجموعه اقدامات انقلابی در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و حتی بیولوژیک علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی اجرا می‌شود. ارتش جمهوری اسلامی ایران در این شرایط خود را فارغ از حضور در عرصه سیاسی، در خط مقدم مقابله با راهبرد ترکیبی دشمن می‌داند و به تقویت بنیه دفاعی و نظامی با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، می‌پردازد. همه این عوامل، ارتش جمهوری اسلامی ایران را به مجموعه‌ای منسجم، کارآمد، انقلابی، مردمی، در خط ولایت و خاری در چشم دشمنان و بدخواهان تبدیل کرده است.

■ نتیجه سخن اینکه،

ارتش به‌عنوان یک سازمان منسجم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در نوک حملات جدایی طلبان و مخالفان استقلال کشور بود و با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان ایران و انقلاب این مجال را یافتند تا زخم‌های کاری به ساختار ارتش وارد کنند و لوی وجود معمار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و حامی دلسوز ارتش و ملت در آن دوران حضرت امام خنامه‌ای (مدظله العالی) در بدنه انقلاب موجب شد ارتش در مدت زمان کوتاهی در مقابله با جریان‌های برانداز دوران پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی حضور مستمر داشته باشد. به گونه‌ای که ارتش ج.ا.ا. ایران اولین شهید ترور (شهید سپهبد علی قرنی) و شهید ترور انتقام کرد (شهید سپهبد علی صیاد شیرازی) را به جامعه تقدیم کرد و در این مسیر با بصیرت و برخوردار از توان بازدارندگی به‌عنوان بازوی اقتدار ایران اسلامی در تمامی عرصه‌ها پشتیبان نظام مقدس اسلامی، رهبری و ملت بزرگ ایران خواهد بود.



انقلاب اسلامی حاصل عزم ملی

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایدار

در میان انبوه تحلیل‌های موجود پیرامون انقلاب اسلامی جای دیدگاه‌های فلسفی و نظریه‌های مرتبط با آن در مورد انسان انقلاب اسلامی خالی است. بویژه جای خالی نظریه‌هایی که به نقش ساختارهای کلاّن و دیرپایی که به انسان انقلاب اسلامی

بپردازد نیز احساس می‌شود.

جامعه‌شناسان، انقلاب را مترادف با تحولات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ورود به دوران جدید می‌دانند و بر این اساس زمینه‌های تاریخی، فرایندها، آثار و پیامدهای آن را مورد توجه قرار می‌دهند، اما به ویژگی‌های انسانی آن در کشورهایی که انقلاب را تجربه کرده‌اند کمتر پرداخته‌اند. انسان انقلاب اسلامی انسان تراز تعلیم مکتبی است که همزمان با طلوع انقلاب اسلامی به صحنه آمد و مجال یافت تا دیدگاه‌های آرمانی خود را در عرصه حیات اجتماعی جامه عمل پوشاند و براساس اندیشه و الگوی دینی آینده خود را رقم زند. کوشش برای حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های آرمانی جوهره نهضت مردم ایران را تشکیل می‌دهد؛ همان ارزش‌هایی که بیش از یک قرن در آفاق فکری هراترانی حضور نمود داشته و آزادی و استقلال در رأس آن‌ها قرار دارد. با طلوع فجر بهمن ۱۳۵۷ مدیریت توسعه آرمانی کشور به دست فرزندان لایق این مرز و بوم افتاد و اندیشه ملهم از وحی و عقل، ساماندهی نو به نوبی اجتماعی را عهده‌دار گردید.

وجه غالب تجربه انقلاب اسلامی مردم ایران براساس درک دینی استوار است و الگوی رفتاری و هنجاری، مطلوب‌ها و آرمان‌های انقلاب نیز بر همین مبنا قابل بازشناسی‌اند. انقلاب اسلامی رهیافت‌های تازه‌ای را پیش روی مردم نهاد تا با یاری آن راه‌های عبور از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب» را نشان دهد.

با ظهور انقلاب اسلامی دوران درخشان بازنگری به مفاهیم توضیح‌دهنده وضعیت آرمانی فراسید و آموزه‌های هدایتی کتاب وحی الهی و سنت‌های رفتاری معصومین (ع) با ویژگی‌های فرهنگی-تاریخی عنصر ایرانی در آمیخت. فصل جامع آن اندیشه و این تأثیرپذیری را می‌توان



در شخصیت رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) دید. امام خمینی (ره) با عزم راسخ و با اتکا به اراده نستوه مردم خواستار بالندگی و توسعه کشور بود و با روشن اندیشی مدینه فاضله را در عرصه‌ای ماورای مناسبات دنیایی جست‌وجو نمی‌کرد و همواره جامعه آرمانی را به عنوان یک چشم‌انداز دست یافتنی برمی‌شمرد.

نفی روابط ظالمانه، کسب آزادی‌های مشروع و قطع ایادی بیگانه در امور کشور را می‌توان علت‌العلل خروش همدلانه مردم سلحشور ایران در روزهای انقلاب دانست. ایرانیان با انگیزه الهی پا به معرکه قیام نهادند و با رهبری داهیهان امام خمینی (ره) سرنوشت کشور را با اینار جان و مال شان به دست گرفتند و فصلی پرافتخار را در تاریخ ملت‌ها به نام خود گشودند.

امروز هم انسان ایرانی دل در گرو انقلاب دارد و به دستاوردهای بزرگ آن می‌بالد و در راه پاسداری از موهبت استقلال و آزادی آماده فداکاری است. مردم ایران در پرتو استقلال فارغ از سیمپله اجانب به ایرانی آباد و سریلند می‌اندیشند و به یمن آزادی، خود برای خود تصمیم می‌گیرند و امیدوارانه چشم به افق روشن دارند.

امروز با گذشت ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران در جزر و مد حوادث با پیچیدگی‌های مناسبات جهان امروز آشنا شده و استوارتر از همیشه آماده مقابله با هرگونه توطئه هستند و همچون همیشه مصمم هستند تا از استقلال و آزادی که بهای زیادی برای آن پرداخته‌اند، پاسداری کنند.